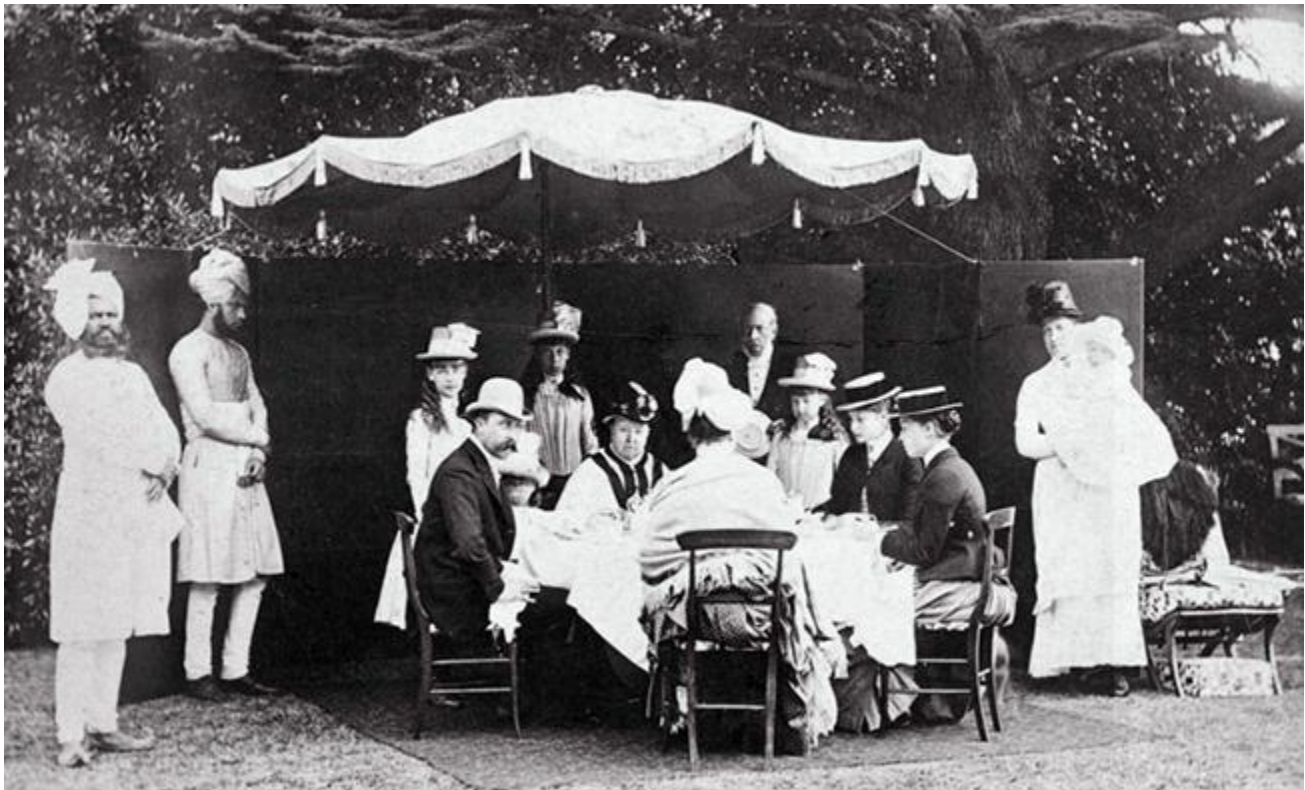


انقلاب اسلامی ضرورتی برای احیای اسلام

قرن نوزدهم، قرن مقابله‌ی با دین و تحقیر دین بود؛ هر دینی.... قرن بود و فصلی بود که بشر خواست با تکیه بر انسان‌گرایی و خردگرایی، اعلام کند که از دین بی‌نیاز است، و این اعلام آن‌چنان خشن و غیرمؤدبانه و غیرمنطقی انجام گرفت که آثار تخریبی آن در تمام جوامع بشری که پایبندی‌ای به دین داشتند، محسوس شد.

در همین قرن نوزدهم بود که استعمار چهره‌ی خشن خودش را در دنیا نشان داد، و آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و کشورهای عقب‌افتاده‌ی تقریباً سراسر دنیا، به‌نحوی، مدت‌ها زیر شلاق استعمار و زیر چکمه‌ی خشن استعمار قرار گرفت.



در منطقه‌ی اسلامی، استعمار هدف خودش را مقابله‌ی با اسلام - به‌عنوان یک اندیشه‌ی مانع از وصول استعمار به اهداف خودش - قرار داد. تاریخ مبارزات و استعمار مردم هند، تاریخ ایران، تاریخ آسیای مرکزی، تاریخ شمال آفریقا - مصر - و برخی از کشورهای دیگر، به‌طور کامل حاکی از این است که استعمار اروپایی در این مناطق، مبارزه‌ی با اسلام را به‌عنوان یکی از هدف‌های حتمی و قطعی خودشان قرار دادند. به‌خصوص در منطقه‌ی نزدیک آسیا، یعنی ایران، افغانستان، ترکستان و هند.

"سیاستمداران آن روز انگلیس، صراحتاً این را اعلام می‌کنند که باید با اسلام در این مناطق مبارزه کرد و آن را نابود کرد."

البته در این خلال روشنفکران و اصلاح‌گرانی از قبیل سیدجمال‌الدین و محمد عبده پدید آمدند، و بسیاری از روشنفکران در ایران، مصر و بالاخره **اقبال لاهوری** در هند، فهمیدند که دارد چه اتفاق می‌افتد. این فریادی را که شما در کلمات اقبال مشاهده می‌کنید، فریاد مصیبت یک انسان آگاه و روشنفکر است که مشاهده می‌کند اسلامش را دارند چه‌جور از دستش می‌برند.



حرکات وسیع **سید جمال الدین** در مصر، ایران، هند، اروپا و عثمانی، همه ناشی از این احساس خطر بسیار حادّی است که آن روز، دشمن اسلام طراحی و برای آن پول‌های بسیاری را خرج می‌کرد و متفکرین زبده‌ای را به این کار می‌گماشت. تعداد کنفرانس‌هایی که در آن، درباره‌ی اسلام فکر می‌شد، در کشورهای اروپایی به مراتب بیشتر از مجالسی است که علمای اسلام، در سطوح بالا برای بازشناسی اسلام و تحقیقات تشکیل می‌دادند. تاریخ معاصر، یعنی تاریخ نیم قرن اول قرن بیستم، کاملاً حاکی و نمایشگر این استراتژی وسیع و همه‌جانبه است.

استراتژی غرب برای تضعیف و مبارزه با اسلام عبارت بود از: ۱- تزریق فساد در جوامع اسلامی، **تزریق فرهنگ برهنگی** و فرهنگ امتزاج و بی‌قید و شرط زن و مرد و به‌خصوص کشاندن زنان و در درجه‌ی بعد مردان به مصرف‌گرایی، و روابط آزاد مرد و زن با هم؛ و همچنین ۲- **تزریق غرب‌زدگی در منطقه‌ی اسلامی**. لذا هم در تزریق فساد موفق شدند و هم در مورد غرب‌زدگی و تزریق روحیه‌ی اضمحلال و انفعال؛ جوامع اسلامی از لحاظ فساد جنسی، فساد اخلاقی، بی‌بندوباری، غرق شدن در فسادهای گوناگون به کشورهای اروپایی رسیدند و از آنها جلوتر هم رفتند؛ درحالی‌که اسلام شرب خمر و اختلاط زن و مرد را منع می‌کرد.

بسیاری از روشنفکران آن زمان صریحاً اعلام کردند: "راه نجات کشورهای عقب افتاده‌ی این مناطق، این است که سر تا پا فرنگی و غربی بشوند"

و عملاً هم به همین سمت پیش رفتند و این بلیه در کشورهای عربی حتی از کشورهای غیر عربی بیشتر نفوذ کرد چون روی کشورهای عربی بیشتر هم کار می‌کردند.

۳- عامل دیگری که به تضعیف اسلام در این مناطق کمک کرد؛ **حکومت‌های وابسته** بود. در گذشته حکومت‌های کشورهای اسلامی، اگر مستبد، ظالم و یا بی‌کفایت بودند، لاقلاً وابسته‌ی به غیر نبودند. اما از اوایل دوران استعمار در کشور ما، تا لحظه‌ی انقلاب، این روند سیر صعودی داشت و برای وابسته کردن سلاطین و رؤسای کشورهای منطقه به سیاست‌های استکباری قدرت‌های بزرگ، کوشش کردند. تلاش در این‌که:

چگونه یک کشور را وابسته کنند و چگونه حکومت‌ها را آن‌چنان وابسته کنند که حیاتشان در گرو حمایت از سیاست‌های خارجی آنان باشد..

۴- عامل دیگری که به تضعیف اسلام در این مناطق کمک کرد؛ ، **عنصر التقاط** است. یعنی تفکرات جدید و ایدئولوژی‌های اخیر غربیان که مورد علاقه‌ی جمعی از مردم است و برای مردم جاذبه‌ای دارد را بردارند، آنها را با پوشش اسلامی و رنگ و لعاب دین و با تکیه بر آیات قرآن ارائه بدهند و درحقیقت **اسلام التقاطی** ارائه دادند.

وقتی به عامل التقاط نگاه می‌کنیم، می‌بینم این عامل ، به تنهایی برای اینکه با گذشت زمان به تدریج اسلام را از صحنه‌ی عمل و سپس عقیده خارج کند کافی بود.

اسلام درمقابل تهاجم عظیم استکبار جهانی از یک مانع عقیدتی یا حتی عاطفی، به کلی خارج و به یک **عنصر بی‌خاصیت محض** بدل می‌شد، این آینده‌ی قطعی اسلام بود.

در چنین فضایی بود که ابر مرد تاریخ با عزمی راسخ و اتکال به قدرت الهی و تکیه بر حمایت‌های مردم که از ظلم و فساد و بی‌ایمانی به ستوه آمده بودند، بساط استکبار را در کشور عزیزمان ایران ، برچیدند و طومار ظلم و ستم شاهنشاهی را در هم شکستند و با یک انقلاب عظیم، دین و اسلام را زنده کردند.

آنهایی که می‌گفتند روزگار دین به سر آمده، دیدند که دین، یک ملت را به حرکت درآورد و یک دژ استوار استکبار را این‌جور با خاک یکسان کرد، یک نظام انقلابی را با این شجاعت و با این اقتدار و جرأت بر سر کار آورد و یک موج عظیم در دنیای اسلام بلکه در دنیای غیراسلامی از جهان سوم و مستضعفین به وجود آورد. معلوم شد که نه! روزگار دین به سر نیامده! دین هنوز قوی‌ترین عامل برای حرکت دادن انسان‌ها است. این را انقلاب اسلامی ایران عملاً ثابت کرد. آن کسانی که در دنیا و در جوامع اسلامی، از مسلمان بودن خودشان سربلند و سرافراز نبودند، احساس سرافرازی کردند. آن کسانی که خجالت می‌کشیدند بگویند ما مسلمانی، احساس کردند و افتخار می‌کنند که بگویند ما مسلمانی. آن کسانی که در مجامع عمومی خجالت می‌کشیدند نماز روزانه‌ی خودشان را بگذارند، افتخار کردند به اینکه نمازگزار و بنده‌ی خدا و مسلم هستند. چون:

انقلاب اسلامی، مسلمانی را از برابر بودن با ضعف و سستی و ستم‌پذیری به روح شهامت بشری، روح اقتدار انسانی، و ظلم‌ستیزی تبدیل کرد.



و بنیانگذار این حادثه عظیم و الهی کسی نبود جز روح الله الموسوی الخمینی و به فرموده‌ی ایشان:

"انقلاب ما که یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های دوران انقلاب‌ها، ارزیابی شده و چشم دنیا را متوجه کرد و درباره‌ی آن قلم‌های زیادی زده شد، به‌عنوان یک انفجار عظیم در دنیا تلقی شد. و همه دانستند که این انفجار عظیم بر پایه‌ی اسلام بود. ناگهان تمام رشته‌های دویست ساله‌ی استکبار علیه اسلام را پنبه کرد."

"اسلام بود که شما را راه انداخت و به شما همچو قدرتی داد که در مقابل این قدرتهای شیطانی بزرگ ایستادید و نترسیدید. این قدرتی بود که خدا به شما داد؛ و الا ما که بندگان ضعیفی هستیم که چیزی نداریم... این قدرت خدا بود. این چیزی بود که خدا به شما عنایت کرد و باید این عنایت خدا را حفظ کنید. حفظ این عنایت خدا، که منشأ همه پیروزیها ان شاءالله خواهد شد به این است که این قدمهای دیگری هم که ما باید برداریم، همه با هم پشتیبانی کنیم"

عوامل پیدایش انقلاب از دیدگاه امام خمینی (قدس سره الشریف):

بر خلاف اندیشمندان تقلیل‌گرا که به یک عامل در پیدایش انقلاب تأکید کرده و بر عواملی چون مذهب، اقتصاد، مدرنیزاسیون، استبداد و توطئه انگشت می‌گذارند، رهیافت امام خمینی قدس سره چند علتی است. برخی عوامل از دیدگاه ایشان را بیان می‌کنیم:

استبداد و سلب آزادی: امام خمینی در تحلیل‌هایش از قیام مردم ایران در سال ۵۷، یکی از عوامل عمده آن را، استبداد و اختناق شاهنشاهی و شیوه حکومتی شاه می‌دانند: "آن که اساس این انقلاب است، آن که اساس این انفجارها است خود این آقا (محمدرضا شاه پهلوی) است". امام خمینی قدس سره قضیه اختناق و سلب آزادی را تئوریزه کرده و فرآیند آن را همچو یک جامعه‌شناس بیان می‌دارند: "یکی از چیزهایی که موجب پیروزی شماها شد همین زیادی ظلم و زیادی اختناق [بود]

که این اختناق وقتی زیاد شد انفجار از آن پیدا می‌شود، دنبال یک اختناق طولانی هی عقده‌ها زیاد می‌شود و منتظرند که یک صدایی در آید، دیگران دنبالش بروند.

امام خمینی قدس سره فرآیند مذکور را نه یک اتفاق و حادثه استثنایی بلکه یک «قانون» تلقی کرده و دیگر حکومت‌ها را به عبرت‌گیری دعوت می‌کند: "حکومت‌ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد."

ماهیت طاغوتی رژیم شاهنشاهی: از دیدگاه امام خمینی قدس سره هر حکومتی که مشی اسلامی را در همه زمینه‌ها مراعات نکند و محتوای آن اسلامی نباشد طاغوت است. امام مفهوم طاغوت را در برابر حکومت عدل اسلامی قرار داده و می‌فرماید: "ما امیدواریم که با پیوستن به هم بتوانیم این طاغوت‌ها را تا آخر از بین ببریم و به جای آن یک حکومت عدل اسلامی که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیزمان به دست خودمان باشد بر پا کنیم."

ترویج مفاسد: امام معتقد بود یکی از مسائلی که مردم ایران را به ستوه در آورد، فساد دامنگیر نهادهای رژیم شاهنشاهی بود. البته به زعم امام خود نهاد سلطنت، فساد برانگیز و ریشه مفاسد بود.

"این فساد که در ایران پیدا شده است، همه فسادها زیر سر رژیم شاهنشاهی بود. در تاریخ از اولی که رژیم شاهنشاهی پیدا شده است تا حالا که ما مشاهده می‌کنیم، هر چه مفسده بود، رژیم شاهنشاهی این مفاسد را ایجاد کرده."

"این رژیم و این حکومت، حکومتی است که می‌خواهد جوان‌های ما را فاسد کند و این مراکز زیاد فحشا و همه اطراف و همه جوانب فحشا را رواج دادن برای این است که جوان‌ها را از دانشگاه‌ها بکشند به میخانه‌ها و به کارهای زشت و بد"

وابستگی رژیم به بیگانه: ملت ایران به دلیل داشتن هویت ایرانی دیرینه، وابستگی به بیگانه را بر نمی‌تابد. در نظر امام خمینی قدس سره، علاوه بر تأثیر عامل مذکور در قیام ملت ایران، تأثیرات منفی وابستگی از جمله به یغما رفتن ثروت‌های ملی و آگاهی ملت از این امور در پیدایش انقلاب ایران دخیل بودند: "در عصر ما ملت یافت که شاه به واسطه پیوندی که با غرب خصوصاً با آمریکا دارد و همین طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داده است، بلکه نیروهای انسانی ما را نیز به هدر داده است و فهمیدند جنایات فوق العاده‌ای که مرتکب می‌شود به واسطه پیوندی است که شاه با ابرقدرت‌ها دارد. از این جهت ملت ما به پا خواست."

"رژیم پهلوی اقتصاد ما را به کلی به هم زد و همه چیز ایران را وابسته به اجانب کرد، همه چیز ایران به باد رفت و مردم خسته شدند و از این جهت قیام کردند و این نهضت را به پا داشتند."

از دیدگاه امام قدس سره وابستگی رژیم گذشته صرفاً بعد اقتصادی نداشت، بلکه در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی شاه وابسته بود و همین امر موجب جدایی رژیم از مردم و اعمال فشار رژیم بر آنان و در نهایت بروز انقلاب شد: "فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است، مردم ایران را زیر شکنجه و سیاهچال‌های زندان کشته است. از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام اینها موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند."

جدایی از ملت: رژیم شاهنشاهی به دلیل ویژگی‌هایی که بیان شد، از پایگاه مردمی برخوردار نبود. طبیعت وابستگی و اتکا به ذخایر زیرزمینی، موجب پیدایش دیوار بلند بی‌اعتمادی میان مردم و حکومت وابسته شده بود، به طوری که شاه تا آخر به اهمیت مردم پی نبرده و انقلاب ایران را با توطئه خارجی تبیین می‌کرد. اما از دیدگاه امام، بیگانگان هیچ نقشی در پیدایش انقلاب نداشتند. به عقیده امام قدس سره: "اگر پایگاه داشت این مرد (شاه) بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای رضای مردم، هرگز این قدرت به هم نمی‌خورد".

.. "فقط آن رده‌های بالای ارتش و قوای انتظامی، باقی را دیگر به هیچ نمی‌گرفتند، نه ادارات و نه ارتش، آن رده‌های پایین، نه مردم و نه بازار و نه مسجد و نه روحانیت و نه دانشگاه، هیچ یک را به حساب نمی‌آوردند. اینها، چیزی نمی‌دانستند اینها را، و بزرگ‌تر خطای اینها همین بود که ملت را چیزی نمی‌دانستند ملت همه با هم شدند برای این که همه ناراضی بودند"

دستاوردهای انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

استقلال در تصمیم‌گیری، حفظ تمامیت ارضی کشور و رساندن ایران به عزت و کرامت لایق خود

در دوره‌های قبل از جمهوری اسلامی، همیشه ایران تجزیه شد و همیشه از ایران گُندند. هیچ‌کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند که بتوانند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کرده‌ایم. قاجارها که وضعشان معلوم است. پهلویها هم، شهرهای مرکزی ایران را سالها زیر چکمه‌ی سربازان خارجی انداختند و زن و مرد و ناموس این کشور را به دست آن‌ها دادند. تنها جمهوری اسلامی بود که مردانه ایستاد و نگذاشت که متجاوزین یک قدم جلو بیایند. هشت سال جنگ مگر شوخی است؟! هشت سال جنگ و آن همه فداکاری! جوانان ما در مقابل اتحاد شرق و غرب و «ناتو» و همه و همه مقاومت و ایستادگی کردند و میهن را نجات دادند.

ارتقاء جایگاه ایران در جهان، صدور شعارهای انقلاب و الهام‌بخشی به حق‌طلبان عالم

واقعیتی که امروز در جامعه‌ی ما هست - خارج از تبلیغات و شعار و بزرگ‌نماییهای گوناگون - این است که ما یک کشوری هستیم که بر اثر تکیه بر باورهای خودمان و اظهار شجاعت در میدان - شجاعت نشان داده‌ایم؛ وقتی محاسبه می‌کنیم، در دنیا، در بین ملتها و دولتها، در محافل سیاسی دنیا، در تعاملات بین‌المللی و در موازنه‌ی بین قدرتهای بزرگ دنیا، این ایران، این ملت و این مجموعه‌ی حکومت، یک مجموعه‌ی درخور احترام یا مجموعه‌ای که ناگزیر باید آن را جدی گرفت و آن را احترام کرد، تلقی میشود. امروز وضع کشور ما این است.

این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سرمی‌برد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمی‌کرد در آملدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه‌ی عظیم قَرَج گشوده شد و ملتها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال میکردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملت فلسطین با همه‌ی وجود و با همه‌ی توان وسط میدان آمده است و بالاینکه فشار زیادی هم روی او وارد میکنند، بازایستاده است. یک ملت بی سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه‌ی این‌ها را عاجز و بیچاره کرده است.

امروز، وقتی حادثه‌یی در دنیا اتفاق می‌افتد - از قبیل حوادث منطقه‌ی خاورمیانه، لبنان و فلسطین - و ملت و شخصی مظلوم واقع میشود و ظلمی در یک جا اتفاق می‌افتد و از دهان کسی، حرف غلط و قلدرمآبانه‌یی خارج میشود، اگر بخواهیم اعتراض کنیم و موضع‌گیری نماییم و آن کار را لازم و تکلیف خود بدانیم، هیچ ملاحظه‌ی سیاسی و ترس از هیچ قدرتی، ما را از موضع‌گیری باز نمی‌دارد.

بعضی از کشورهای دیگر تعجب میکنند که چطور ممکن است دولت و کشوری باشد که از قدرتهای مسلط عالم نترسد و ملاحظه نکند؟ امروز، بحمد الله این نمونه در دنیا وجود دارد.

ببینید امروز در اروپا و در قلب مدنیّت و فرهنگ غربی که اسلام را خصم خود میداند و با اسلام مبارزه میکند، دعوت اسلامی چه

شور و نشاطی به وجود آورده است. حقیقت همین است و آینده نیز محکوم همان حقیقتی می باشد که انبیای عظام خبر داده اند و اسلام به ما وعده داده است .

فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست.

گسترش آزادی‌های عمومی، تشویق جوانان به آزاداندیشی و طرح آزاد مباحث البته در چارچوب صحیح

در این جمهوری، هرکس هرچه می‌خواهد، می‌گوید. هرکس در هر ممشا و مسلکی که دوست میدارد، سیر میکند. کسی کاری به کسی ندارد. واقعاً در نظام جمهوری اسلامی، تحمل شنیدن حرف مخالف خیلی بالاست... البته همه‌ی مطبوعات باید توجه داشته باشند که خطّ قرمزی وجود دارد و از این خطّ قرمز، هیچ‌کس نباید عبور کند. نه اینکه ما اجازه نمیدهیم؛ در هیچ جای دنیا اجازه نمیدهند. به اصطلاح دموکراتیکترین کشورها هم اجازه نمیدهند... این‌ها خطوط قرمز یک ملت است. شما، انقلاب را زیر سؤال ببری، اصل انقلاب را نفی کنی و در نفی نظام جمهوری اسلامی بکوشی؟! خوب؛ این خطّ قرمز است و قابل تحمل نیست. برگزاری کنفرانسها، میزگردها، تریبونهای آزاد، چاپ کتابها و مقالات متعدد، همه و همه دلیل بر آزادی بیان و اندیشه است.

گسترش برخورداری‌های عمومی و امکانات مادی (در مقایسه با پیش از انقلاب و در مقایسه با کشورهای هم‌تراز)

کسانی که ملت‌های دیگر را از نزدیک دیده‌اند، شهادت میدهند که ملت ایران نسبت به اسلام و عقاید و احکام اسلامی، یکی از مؤمن‌ترین ملت‌های مسلمان است. برای مردم روشن شد که در سایه‌ی اسلام می‌توانند زندگی آزاد و برخوردار از نعم معنوی و مادی داشته باشند.

نظام اسلامی آمد و آن برنامه و نقشه‌ی غلطی را که در این مملکت بود که هیچ حقی برای روستا و روستانشین و شهرهای دور دست و طبقات محروم قائل نبودند تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گذاشت. امروز بیشترین اهتمام دولت خدمتگزار ما برای نقاط محروم است. در طول دوران انقلاب، همیشه دولتها این‌طور بودند؛ بیشترین اهتمامشان برای مردم محروم و نقاط محروم بود و کارهای فراوان و خدمات عظیمی هم انجام گرفته است. این‌ها به برکت همین عنصر عدالت اجتماعی در خطّ امام است.

پیشرفت در معنویات و امکان سیر تکاملی در فضای انقلاب

انقلاب اسلامی، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام است. انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزشهای اسلامی را، توحید را، احکام الهی را و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنیا معرفی میکند. این، مظهر کاملش در جنگ است؛ هم از جهت روحیات انسانی، و هم از جهت استعداد گرایش معنوی، صفا و معنویت و لطافت، که این همه جا بود.

شما ببینید قبل از انقلاب، ارتش ایران را در چه شرایطی به وجود آوردند؛ چگونه تربیت کردند و با چه شرایطی این‌ها را رشد دادند شرایط، کاملاً شرایط ضد مذهب بود آن‌وقت همین ارتش، در نیروی هوایی اش، در نیروی زمینی اش، در نیروی دریایی اش یک سال و نیم تا دو سال بعد از پیروزی انقلاب که جنگ شروع شد، کارهایی کرد و جلوه‌هایی نشان داد که حقیقتاً محیرالعقول است. جوانهایی که بمباران‌ها و حملات هوایی اول جنگ را با هواپیماهای خود به وجود آوردند، تربیت‌شده‌های ارتش سابق بودند؛ اما جوهر معنویت، خلوص و صفا در این‌ها بود..

من در منطقه‌ی اهواز غالباً نیمه‌های شب میرفتم از منطقه بازدید می کردم. این منظره را خودم دیدم، پای تانک، افسری ایستاده بود و داشت نماز شب میخواند.

جوانهای ما جوانهایی هستند که به معنای حقیقی کلمه از عمق جانیشان تلاش میکنند برای سعادت؛ سعادت‌ی که در اسلام هست. دانشجویهای ما هم همین‌جورند؛ دانشجویهای ما امروز جزو برترین دانشجویها هستند؛ نه فقط از لحاظ ذهن و علم، بلکه حتی از لحاظ صفا، معنویت و ایمان.

گسترش عدالت اجتماعی

یکی از شاخصهای مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که میخواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظامهای گوناگون زندگی میکنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده‌ی کیست؟ این تلاش به عهده‌ی مسئولان و مردم - با هم - است.

ما از لحاظ توزیع منابع عمومی به همه‌ی مناطق کشور، پیشرفت کرده‌ایم. یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف میشد؛ بسیاری از استانها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. قبل از انقلاب، یکی از استانهای بزرگ این کشور - که البته نمیخواهم اسم بیاورم؛ پنج فرودگاه اختصاصی در پنج نقطه‌ی استان داشت، که متعلق بود به وابستگان به دربار شاه؛ اما یک فرودگاه عمومی در آن استان وجود نداشت و این بی عدالتی بود. امروز وقتی نگاه می کنیم، می بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد. همان طور که اشاره کردم، مناطق متعددی از کشور در آن روز، حتی شهرها، از لحاظ دبیرستان در مضیقه بنده در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم؛ اوضاع را آنجا می دیدم، بودند. از لحاظ دبیرستان، بسیاری از شهرهای آن استان. یک مرکز نیم‌بند ضعیف درجه‌ی سوم چهارم. امروز شما وقتی در آن استان و بقیه‌ی استانها نگاه کنید، می بینید در همه‌ی شهرها دانشگاه وجود دارد؛ یعنی امکان تحصیل. خب، این عدالت است. این معنایش این است که امکان تحصیل علم توزیع شده است بین مناطق گوناگون کشور؛ امکانات مادی کشور، منابع مالی، علم توزیع شده است

اهتمام به مبارزه با فساد و برخورد با عوامل فساد

ما به فضل پروردگار در دستگاه‌های دولتی و حکومتی فساد لانه‌کرده نداریم. بین دستگاهی که ممکن است کسانی در اجزاء سوءاستفاده کنند و فاسد باشند، و دستگاه‌هایی مثل رژیم طاغوت که بنیان آن بر فساد است، تفاوت است. در دستگاه طاغوت، دنیاطلبی و حیف و میل اموال عمومی از ریشه و رأس یک سنت و رویه‌ی قطعی و عادت همیشگی بوده است. در نظام جمهوری اسلامی تعالیم و روش اسلام و امام راحل، جامعه را از چنین چیزی باز داشته است. عناصری سوءاستفاده‌چی همیشه در گوشه و کنار وجود داشته‌اند. کسانی هم در بیرون از دستگاه‌های دولتی، از امکانات آنها برای پُر کردن کیسه‌های خود سوءاستفاده میکنند. باید به‌طور جدی با آنها مبارزه شود. البته مبارزه با آنها کار دشواریست؛ چون پول دارند و به تبلیغات می پردازند و شایعه‌پراکنی می کنند. دشمنان داخل و خارج کشور هم سعی می کنند از حرکت‌های اصلاحی در کشور جلوگیری کنند. اراده و همت و عزم جازم مسئولان میتواند همه‌ی این موانع را از سر راه بردارد و این‌شاء الله این‌طور خواهد شد.

توان ایستادگی در برابر زورگویان و سلطه‌طلبان جهانی

ما داعیه‌ی محو نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گری: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ حتی انسانی هم که در یک کشوری که دولتش صددرصد سلطه‌گر است زندگی میکند، این را رد نمی کند؛ یعنی در مناسبات جهانی، رابطه رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر

نباشد. همچنین عدالت و استفاده‌ی از علم برای آسایش بشر نه برای تهدید بشر. بخصوص در طول این دوره‌های اخیر بعد از جنبش علمی دنیا- رنسانس- به این طرف و بخصوص در این یک قرن اخیر، بسیاری از آنچه در زمینه‌ی علم انجام گرفته، به جای اینکه برای آسایش بشر باشد در تهدید بشر بوده؛ یا تهدید جان، یا تهدید اخلاق، یا تهدید خانواده؛ و تشویق به مصرف‌گرایی و پر کردن جیب چپاولگران بین‌المللی و صاحبان و پدیدآورندگان تراستها و کارتلها. ما می‌گوئیم علم، به جای این‌ها در خدمت انسان قرار بگیرد؛ در خدمت آسایش انسان، در خدمت آرامش انسان و در خدمت روح و روان انسان. این‌ها حرف‌هایی است که دنیا نمیتواند رد کند.

انقلاب اسلامی شما در مقابل این حرکتی که به حرکت طبیعی دنیای سیاست تبدیل شده بود، ایستاد. اینی که شما میبینید امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر آمریکا بلند میشود، این چیز جدیدی است؛ این مخلوق حرکت ملت ایران است. چنین چیزی وجود نداشت. اینی که شما میبینید امروز در همه‌ی دنیا، چه در کشورهای اسلامی، چه حتی در کشورهای اروپائی، سیاست آمریکائی منفورترین سیاستها و سران کشور آمریکا منفورترین سیاستمداران دنیا هستند، این ناشی از این حرکت عظیم ملت ایران است.

اینجا بود که اول، شاخ ابرقدرتی ابرقدرت‌ها را شکست، نظام سلطه را به چالش طلبید. چرا؟ چرا قدرتهای بزرگ مثل آمریکا و دیگران با کشورهایی که همیشه سلطه‌پذیر بودند، باید از موضع قدرت حرف بزنند؟ توی ایران خود ما سران ذلیل روسیاه رژیم طاغوت، برای تصمیم‌گیریهای مهمشان اقدام نمیکردند، مگر اینکه قبلاً با سفیر آمریکا و سفیر انگلیس در ایران مشورت کنند. چرا؟ چرا یک ملت با تواناییهای خود، با ذخائر فرهنگی و مادی و معنوی خود، بایستی تابع و تسلیم یک قدرت بیگانه شود؟ چرا؟ این «چراها» را اولین بار، انقلاب اسلامی گفت.

در این منطقه‌ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روز به روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانیها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی الأرض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است... با یک چنین قدرت رو به رشد رو به اعتلای در حال قدکشی به‌شدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار میکنند. توی این سی سال هم بیکار نماندند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمی‌مانند؛ مگر آن وقتیکه شماها همت کنید؛ شما جوانها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب‌پذیری اش نزدیک به صفر باشد؛ آن وقت کنار می‌کشند و توطئه‌ها تمام خواهد شد. اینی که من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و این‌ها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان علم است.

رشد علمی و صنعتی

انقلاب و نظام اسلامی، کشوری را که حدود هفتاد و چند درصد بیسواد داشته، تحویل گرفته؛ اما امروز ما به کشوری با درصد بسیار بالای سواد تبدیل شده‌ایم که من درصد آن را تعیین نمیکنم، چون نمیخواهم یکی دو درصد بالا و پایین گفته شود؛ اما درصدش مشخص است. در توسعه‌ی دانشگاه و دانشجو، کشور ما یک کار معجز‌آسا انجام داده است. بیش از ده برابر هنگامی که نظام اسلامی تشکیل شد، ما امروز دانشجو داریم.

سامانه‌های دفاعی ای که امروز در کشور تولید میشود، یک روز به رؤیا و خواب هم نمی‌آمد که کشور ما بتواند حتی محصولاتش را داشته باشد؛ اما امروز این‌ها را تولید میکنند. در فناوری برتر که در دنیا با افتخار از آن یاد میشود، مجبور شدند علیرغم همه‌ی دشمنیها بگویند ایران جزو ده کشوری است که توانسته چرخه‌ی سوخت هسته‌ای تولید کند. این چیز کمی نیست... این پیشرفتهای مهم به برکت نظام اسلامی به وجود آمده است.

ما از لحاظ روند رشد علمی و فناوری در کشور، جزو شتابنده‌ترینها در سطح دنیا هستیم. منتها چون فاصله خیلی زیاد بوده، این شتاب، الآن نتایجش را به‌روشنی نشان نمیدهد. چنانچه همین شتاب و آهنگ حرکت را بتوانیم به توفیق الهی ده، پانزده سال حفظ کنیم و پیش برویم، آن وقت کاملاً خودش را نشان خواهد داد.

پیشرفت فوق‌العاده در علم پزشکی و داروسازی

من یک وقتی این روایت را که از معصوم (علیه‌السلام) است، عرض کردم، که فرمود: «العلم سلطان»؛ یعنی علم و دانش برای یک ملت و برای یک فرد مایه‌ی اقتدار است. کسی که این قدرت را پیدا کند، دست برتر را دارد و آن کسی که نتواند قدرت علمی را به دست بیاورد، زیردست باقی میماند و دیگران بر او دست برتر را خواهند داشت. علم و فناوری یک چنین خصوصیتی دارد. امروز حرکت کشور در جهت به دست آوردن دانش و فناوری در بسیاری از رشته‌ها، بخصوص در رشته‌های بسیار نو و برتر کشور مشهود است. در بخش سلولهای بنیادی، در تولید رادیوداروهای بسیار مهم، در تولید داروهای ضد سرطان، در تولید موتور توربینهای بادی که وابستگی انرژی کشور را از نفت تا حدود زیادی از بین می‌برد. خوب است شما بدانید که در بعضی از بخشهای بسیار حساس علمی کشور ما کارهایی شده که هنوز در دنیا صورت نگرفته است. در فناوری تولید سلولهای بنیادی که بنده چند وقت پیش، از آن یاد کردم، یک مشت جوان مثل شماها که در تهران هستند، فعالیت میکنند. اینها همت کردند و رفتند از دیگران یاد گرفتند؛ خودشان هم فکر کردند، سرمایه‌گذاری فکری کردند و توانستند کلید تولید و انجماد و حفظ و کاشت سلولهای بنیادی را به‌دست بیاورند. امروز اینها برای اولین بار در ایران سلولهای بنیادی انسولین‌ساز را تولید کرده‌اند که در دنیا هنوز تولید نشده است.

فن‌آوری هسته‌ای

ما در صنعت هسته‌ای پیشرفت کردیم. که غنیسازی بیست درصد محصول سال ۹۰ است این غنیسازی بیست درصد، همان چیزی است که در سال ۸۹ آمریکاییها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما می‌باید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیوداروهاست، اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد تهیه می‌کردیم؛ چون سوخت بیست درصدمان تمام شده بود ... با وجود این همه مشکلات، این همه مانع‌تراشیه‌ها، جوانان ما گفتند خودمان درست میکنیم. در سال ۹۰ اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را اینها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! با اینکه میدانند مرکز هسته‌ای تهران مخصوص رادیوداروهاست - یعنی برای نیاز بیمارستانها و آزمایشگاه‌های ما در سرتاسر کشور است و هزاران بیمار به این رادیوداروها احتیاج دارند - درعین‌حال نمی‌دادند، نمی‌فروختند، شرط می‌گذاشتند، باجگیری میکردند. جوانان ما خودشان آن را تهیه کردند. کار پیچیده‌ای هم بود، کار سختی هم بود، اما از عهده برآمدند و انواع و اقسام رادیوداروها الان در همین مرکز تهران با سوخت داخلی تولید میشود. این مال سال ۹۰ است .

در سال ۹۰، در همین صنعت هسته‌ای، تولید صفحه‌ی سوخت را در کشور انجام دادند؛ که اگر من بخواهم آن را هم شرح بدهم، طولانی میشود .

روز شمار دهه فجر سال ۵۷

رویدادها	تاریخ
بازگشت پیروزمندانه‌ی امام خمینی(س) به میهن پس از سال‌ها تبعید	دوازدهم بهمن ۱۳۵۷
دیدار گروه‌های مختلف مردم با امام خمینی(س)؛ ادامه‌ی درگیری‌های شدید در شهرهای کشور	سیزدهم بهمن ۱۳۵۷
استعفای شهردار تهران و انتصاب دوباره‌ی او از سوی امام به همان سمت	چهاردهم بهمن ۱۳۵۷
اعتصاب کارکنان نخست‌وزیری؛ بازداشت بسیاری از وزراء و کارمندان عالی‌رتبه دولت به جرم فساد مالی و سوءاستفاده از بیت‌المال توسط دولت بختیار	پانزدهم بهمن ۱۳۵۷
انتخاب مهندس مهدی بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت از سوی امام خمینی	شانزدهم بهمن ۱۳۵۷
تظاهرات گسترده به حمایت از بازرگان در سطح کشور؛ حذف سوگند وفاداری به شاه از مراسم قسم سربازی؛ خروج ژنرال هایزر از ایران	هفدهم بهمن ۱۳۵۷
تجمع طرفداران بختیار در ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی)؛ آغاز کارکانال تلویزیونی انقلاب	هجدهم بهمن ۱۳۵۷
رژه‌ی عده‌ی زیادی از همافران و پرسنل نیروی هوایی در مقابل امام خمینی	نوزدهم بهمن ۱۳۵۷
اعلام سیاست‌ها و وظایف دولت موقت توسط مهندس مهدی بازرگان؛ درگیری شدید میان همافران و دانشجویان نیروی هوایی با افراد گارد جاویدان	بیستم بهمن ۱۳۵۷
دست‌یابی مردم به اسلحه‌خانه نیروی هوایی و شدت یافتن درگیری مسلحانه مردم و نظامیان؛ انتشار متن فتوای امام مبنی بر باطل بودن قسم وفاداری ارتشیان به شاه؛ اعلام منع عبور و مرور از ساعت چهار و سی دقیقه عصر توسط ارتش شاه؛ انتشار حکم امام درباره‌ی ماندن مردم در خیابان‌ها؛ پیوستن نیروی دریایی و هوایی به مردم	بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷
اعلام بی‌طرفی ارتش؛ سقوط حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران	بیست و دو بهمن ۱۳۵۷

دوازدهم بهمن ۱۳۵۷

گروهی به نام «سازمان کماندویی مبارزه در راه قانون اساسی» با دفتر خبرگزاری آسوشیتدپرس تماس گرفته و هشدار می‌دهد که اگر آیت‌الله خمینی قصد داشته‌باشد از پاریس به سمت تهران پرواز کند، هواپیمای حامل ایشان را منهدم خواهند کرد. در پی این

تهدیدها، امام خمینی(س) به نزدیکان و همراهان خود فرمودند: "من بیعت خود را از شما برمی دارم، ما به طرف کار بزرگی می رویم .شما هم جانتان را به خطر نیندازید"

ایران در انتظار امام خمینی (س) غرق سرور است. مردم تهران به شوق ورود امام، خیابان ها را آب و جارو می کنند، خط های سفید وسط خیابان تا کیلومترها تمیز شده و مردم مسیر حرکت امام را پر از گل کرده اند. ساعت نه و بیست و هفت دقیقه صبح، امام وارد خاک ایران شد.



سیزدهم بهمن ۱۳۵۷

بختیار در واکنش به استقبال عمومی مردم از ورود امام، پی در پی با انجام مصاحبه و صحبت در مورد برنامه های آتی خویش سعی در عادی جلوه دادن اوضاع دارد. مردم چشم و گوش به مدرسه ی علوی دوخته اند. جمعیت مشتاق به دیدار امام آنقدر زیاد هستند که کوچه های اطراف مدرسه ی علوی مملو از آدم شده است. مردم پارچه های دست نویسی روی دیوارها نصب کرده اند که روی شان «زیارت قبول، با یک بار زیارت امام این توفیق را به دیگران هم بدهید» نوشته شده.

چهاردهم بهمن ۱۳۵۷

در تمام کشور مردم به اعتصاب عمومی دست زده اند. کارکنان ادارات و وزارتخانه های مختلف، وزیران و مدیران دولت را به محل کار خود راه نمی دهند. جواد شهرستانی، شهردار وقت تهران، به دیدار امام می رود و استعفانامه اش را به ایشان تسلیم می کند و البته دوباره از سوی امام شهردار می شود. بختیار از انتشار این خبر و احتمال این که سرمشق دیگر زیر دستانش قرار گیرد به شدت می ترسد و طی یک مصاحبه شروع به ناسزاگویی به جواد شهرستانی می کند و سایر کارمندان و مسئولان دولت خویش را تهدید می کند. با همه ی این ها شهردار تهران، تنها کسی نبود که به مدرسه ی علوی (محل سکونت امام) روی آورد.

پانزدهم بهمن ۱۳۵۷

بختیار تمام پایگاه‌هایش را از دست داده و همچنان با انجام مصاحبه‌های مختلف سعی در به رخ کشیدن قدرت خود دارد.
محوهای مورد تاکید و تهدید او در مصاحبه‌ها این‌ها هستند

به آیت‌الله خمینی اجازه تشکیل دولت موقت را نمی‌دهم -

کسانی را که جنگ داخلی راه بیندازند اعدام می‌کنم -

تمام نظرات امام خمینی را در لباس قانون تحقق می‌بخشم -

امام در پاسخ تهدیدهای دولت فرمودند: "من باید نصیحت کنم که دولت غاصب کاری نکند که مجبور شویم مردم را به جهاد... دعوت کنیم. ما از ارتش می‌خواهیم هر چه زودتر به ملت متصل شوند. آن‌ها فرزندان ما هستند. ما به آن‌ها محبت داریم"

امام همچنین در سخنرانی‌ها و دیدارهایشان با مردم اصول سیاست‌هایشان را این‌گونه بیان فرمودند: "تمام اتباع خارجی در ایران به صورت آزاد زندگی خواهند کرد. ما برای اقلیت‌های مذهبی احترام قائل هستیم. نظر من راجع به رادیو و تلویزیون و مطبوعات این است که در خدمت ملت باشند. دولت‌ها حق هیچ نظارت ندارند"

شانزدهم بهمن ۱۳۵۷

ده‌ها خبرنگار داخلی و خارجی، گروه‌های مختلف مردم و جمعی از نزدیکان امام در سالن مدرسه‌ی علوی اجتماع کرده‌اند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حکم نخست‌وزیری مهندس مهدی بازرگان را قرائت می‌کند. در حالی که مردم هر لحظه به پیروزی نزدیکشان امیدوارتر می‌شوند، جمعی از تیمساران ارتش در حال فراهم کردن مقدمات اجرای طرحی با حمایت مستقیم آمریکا برای دستگیری امام و کشتن مردم هستند

اعضای شورای انقلاب، آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله مطهری و مهندس بازرگان با تماس‌های مداوم با فرماندهان ارتش سعی می‌کنند ارتش را بدون خونریزی، متحد ملت کنند. مردم با گل و اشک و شعار به استقبال ارتشیان می‌روند



هفدهم بهمن ۱۳۵۷

مردم در خیابان‌ها و در حمایت از دولت بازرگان تظاهرات می‌کنند. شعارها علیه بختیار است، مردم بختیار را نمی‌خواهند. بختیار سعی دارد به مردم بفهماند در انجام وعده‌های خود کوشاست.

به همین منظور در جلسه‌ی مجلس حضور می‌یابد و نمایندگان در حضور بختیار طرح‌های انحلال ساواک و دستگیری نخست‌وزیران و وزیران دولت از سال ۱۳۴۱ تا آن سال که متهم به سوء استفاده از قدرت بودند را تصویب می‌کنند.

هجدهم بهمن ۱۳۵۷

امام خمینی فرمان داده‌اند نام اشخاصی که به نوعی به کشور و مردم خیانت کرده‌اند افشا شود. با تلاش مردم و متخصصین، فرستنده‌ای سیار در مدرسه‌ی علوی راهاندازی می‌شود. اینجا تهران، کانال انقلاب

نوزدهم بهمن ۱۳۵۷

بختیار دستور تیراندازی به سمت مردم را می‌دهد. در بعضی از نقاط کشور به سمت مردم تیراندازی می‌شود. عده‌ی زیادی از همافران و افراد نیروی هوایی، با لباس‌های نظامی و در میان شادی و حیرت مردم به اقامت‌گاه امام رفتند. امام خمینی در این دیدار، خطاب به همافران فرمودند:

"همان‌طور که گفتید تا حالا در اطاعت طاغوت بودید، حال به قرآن پیوستید. قرآن حافظ شماست. امیدوارم با کمک شما بتوانیم در اینجا حکومت اسلامی را برقرار کنیم"



بیستم بهمن ۱۳۵۷

پس از خبر ساعت ۲۰، تصاویری از دوران اقامت امام خمینی در پاریس از شبکه سراسری تلویزیون پخش شد. هم‌زمان با پخش تصویر امام خمینی، همافران نیروی هوایی در پادگان، فریاد «الله‌اکبر» سر دادند. شعار همافران در حمایت از امام خمینی باعث خشم افسران و کارکنان ضد اطلاعات نیروی هوایی شد. اخطارهای تند آنان به همافران، به درگیری و تیراندازی و ورود گارد شاهنشاهی منجر شد. با بالا گرفتن درگیری، مردم برای کمک به همافران ارتش وارد پادگان شدند اما لوله‌ی مسلسل گارد شاه به سمت مردم چرخید و آن‌ها را هدف گلوله قرار داد. درگیری تا صبح ادامه داشت.

بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷

ساعت ۱۰ صبح اسلحه‌خانه‌ی نیروی هوایی به همت مردم و کمک همافران فتح شد.

ساعاتی بعد کلانتری‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۶ و کلانتری نارمک به دست مردم افتاد.

مردم تانک‌ها و نفربرها را به خیابان‌ها آوردند و به یکدیگر روحیه می‌دهند. فرمانداری نظامی که دست‌پاچه شده‌است، در آخرین اعلامیه‌اش که بارها از رادیو پخش شد، ساعت منع عبور و مرور را چهار و نیم عصر اعلام کرد.

امام خمینی در پاسخ به دستور فرمانداری پیامی به این شرح صادر فرمودند: "اعلامیه امروز حکومت نظامی، خدعه و خلاف شرع است؛ مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند، برادران و خواهران عزیزم، هراسی به خود راه ندهید که به خواست خداوند تعالی، حق پیروز است"



بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷

تهران و اغلب شهرستان ها همچنان صحنه جنگ خونین مردم و نیروهای مسلح بود. از غروب روز بیستم، کسی خیابان ها را ترک نکرده بود. درحالیکه حملات مردم مسلح به تمام مراکز قدرت رژیم شدیدتر می شد خبر رسید که ستاد ژاندارمری واقع در میدان بیست و چهار اسفند (انقلاب) به دست افراد نیروی هوایی، دریایی و مردم افتاده است. پس از ساعتها زد و خورد، پادگان عشرت آباد به تصرف مردم در آمد و بر اثر حملات مردم به تسلیحات ارتش، کارخانه ها و انبارهای اسلحه به دست مردم افتاد.

سرانجام درحالی که همه خیابان ها شاهد حضور جوانان مسلح بود، در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه صبح، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ واکثر فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از مذاکرات بسیار، طی اعلامیه ای بی طرفی ارتش را اعلام کرد

با توجه به تحولات اخیر کشور، شورای عالی ارتش در ساعت ده و نیم امروز بیست و دوم بهمن سال هزار و سیصد و پنجاه و هفت، به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیشتر، بی طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام و به یگان های نظامی دستور داده شد به پادگان های خود مراجعت نمایند. ارتش ایران همواره پشتیبان ملت شریف و نجیب و وطن پرست ایران بوده و خواهد بود و از خواسته های ملت شریف با تمام قدرت پشتیبانی می نماید.

این اعلامیه زمانی از رادیو پخش شد که شهر پر بود از مردم مسلحی که سوار بر خودروهای نظامی بودند. همچنین کاخ گلستان، مرکز رادیو ایران و ژاندارمری کل کشور در دست مردم بود. شهربانی کل کشور، دانشکده افسری، دانشکده پلیس و دبیرستان نظام نیز به دست نیروهای مردمی فتح شد. مردم، زندان کمیته (کمیته ی مشترک ضد خرابکاری را که مرکز بازجویی و شکنجه متهمان سیاسی بود)، به تصرف درآوردند و زندانیان را آزاد کردند.

تا غروب این روز، تمام کلانتری ها، پادگان ها، پاسگاه ها و مراکز نظامی به دست مردم افتاد، زندان قصر، زندان جمشیدیه نیز تصرف شد و زندانیان آن ها فرار کردند، اما توسط مردم دستگیر شده و به مدرسه رفاه — محل شورای انقلاب — برده شدند . فرمانداری نظامی آخرین اطلاعیه خود را صادر کرد. به موجب این اطلاعیه از نظامیان خواسته شد برای اجرای تصمیم شورای عالی

ارتش به پادگان‌های خود برگردند. در حالی که مردم به سوی کاخ نخست وزیری در حرکت بودند، بختیار که پس از فرار نظامیان با تعداد کمی محافظ تنها مانده بود ناهار خود را نیمه تمام رها کرد و از در پشتی ساختمان نخست وزیری گریخت.

سپهبد رحیمی (فرماندار نظامی تهران و رئیس شهربانی) به دست مردم اسیر شد و سرلشکر ناجی (فرمانده گارد جاویدان) در حوالی میدان فوزیه امام حسین (ع) در جریان زد و خورد به ضرب گلوله ای کشته شد. امیرعباس هویدا نخست وزیر اسبق، نیز خود را به شورای انقلاب تسلیم کرد. رادیو و تلویزیون نظامی به تصرف مردم در آمد. در آخرین لحظه‌ها گوینده رادیو پیامی را که از سوی آیت الله طالقانی رسیده بود، خواند و سپس برنامه قطع شد. در آن پیام از کارکنان اعتصابی رادیو و تلویزیون خواسته شده بود تا به سرکار خود بازگردند. پس از سکوتی نسبتاً طولانی، رادیو دوباره آغاز به کار کرد. صدای گوینده از شدت هیجان می لرزید:

توجه توجه ... این صدای انقلاب ملت ایران است



و اکنون بعد از **چهل** سال از آن همه حادثه باید دید وظیفه ما در قبال خون پاک شهدا و آنهمه دلاوری‌ها چیست؟

چگونه می‌توانیم اسلام عزیز را (به فرموده امام راحل قدس سره) حفظ کنیم و آنرا سینه به سینه و نسل به نسل به تمام دنیا صادر کنیم؟

منابع: صحیفه نور و سایت خامنه ای